

روستا و توسعه، سال ۲۲، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۸

DOI: 10.30490/RVT.2020.293733.1076

بررسی رابطه امنیت غذایی و فقر درآمدی در مناطق روستایی استان گیلان: مطالعه موردی شهرستان املش

مهرداد باقری^۱، حنا حداد^۲، عبدالرسول شیروانین^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۶

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین امنیت غذایی و فقر درآمدی در مناطق روستایی شهرستان املش از توابع استان گیلان پرداخته است. داده‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی و به کمک تکمیل پرسشنامه‌های مبتنی بر استاندارد امنیت غذایی خانوار از نمونه‌ای شامل دویست خانوار روستایی به دست آمد. برای تعیین وضعیت

۱- نویسنده مسئول و استادیار گروه اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
(mehرداد.bagheri3@gmail.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳- استادیار بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز، ایران (rasoolshirvanian@yahoo.com).

امنیت غذایی خانوارها، از روش استاندارد امنیت غذایی خانوار و برای تعیین فقر ذهنی، از طیف چندگزینه‌ای لیکرت و همچنین، برای تعیین فقر نسبی، از مخارج سرانه خانوار استفاده شد. افزون بر این، با بهره‌گیری از مدل لاجیت چندگانه و تحلیل اثر نهایی، بررسی تأثیر فقر درآمدی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی صورت گرفت. نتایج نشان داد که فقر ذهنی و فقر نسبی دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با ناامنی غذایی خانوارهای روستایی است. بررسی تحلیل اثر نهایی نشان داد که فقر ذهنی بیشترین تأثیر را در امنیت غذایی دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی، خانوار روستایی، فقر درآمدی، فقر ذهنی، فقر نسبی، گیلان (استان)، املش (شهرستان).

مقدمه

سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ و بعد از آن، به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ برمی‌گردد. اما امنیت غذایی خانوار برای اولین بار در کنفرانس بین‌المللی تغذیه در دسامبر ۱۹۹۲ به صورت یک مفهوم روشن و مدون و به عنوان یکی از راهبردهای مهم در برخورد با سوء تغذیه و گرسنگی در جهان، در دهه ۱۹۹۰ و آغاز قرن ۲۱ مورد تأکید و تصویب قرار گرفت. در سال ۱۹۷۵، سازمان ملل متحد امنیت غذایی را بدین شرح تعریف کرد: «امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسان‌های تولید و قیمت آن» (Ghasemi, 1994). بانک جهانی در سال ۱۹۸۶، امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی در هر زمانی برای بهره‌مندی از زندگی سالم و پویا تعریف کرد (World Bank, 1986). شدت ناامنی غذایی، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد. در مراحل اولیه، نگرانی در مورد تهیه غذا یعنی بعد روانی آن بروز می‌کند؛ در این مرحله، هنوز

خانوار با تجربه واقعی گرسنگی مواجه نشده است. در مراحل بعد، این وضعیت به طور ملموس، ابتدا برای بزرگسالان و سپس، برای کودکان رخ می دهد.

از سوی دیگر، یکی از ویژگی های جامعه روستایی به ویژه در کشورهای جهان سوم فقر است. جامعه روستایی در این کشورها از مشکلات متعدد رنج می برد که می تواند علت و معلول فقر باشند (Bani Asadi and Mehrjardi, 2009). بر این اساس، نجفی (Najafi, 1996)، در زمینه رابطه بین امنیت غذایی و فقر، بر این باور است که نداشتن امنیت غذایی و سوء تغذیه، بیشتر حاصل فقر است تا نتیجه مشکلات تولید و عرضه غذا. وی با بیان اینکه وضعیت عرضه محصولات غذایی در کشور خوب است، دسترسی مادی و اقتصادی جامعه روستایی به مواد غذایی را چندان مناسب نمی داند و نتیجه می گیرد که نزدیک به سی درصد جامعه روستایی فاقد امنیت غذایی است. بدین ترتیب، فقر با تأثیرگذاری بر دسترسی به غذا می تواند موضوع حائز اهمیت در حوزه امنیت غذایی قلمداد شود. اسمیت و همکاران (Smith et al., 1999)، در بررسی دلایل نداشتن امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه، فقر شدید را مهم ترین عامل نداشتن امنیت غذایی عنوان می کنند. همچنین، عبادی (Ebadi, 2009) فقر را علت و نامنی غذایی را معلول می داند و معتقد است که گرسنگی نه تنها ناشی از فقر است، بلکه موجب تداوم آن می شود. در این راستا، گرسنگی آخرین و غیر قابل قبول ترین نشانه فقر مطلق و ناکامی در تأمین نیازهای اولیه انسان ها به شمار می آید. تأمین امنیت غذایی مستلزم تلاش در راستای فراهم کردن امکان دسترسی تمام خانوارها به ویژه اقشار آسیب پذیر و فقیر به مواد مغذی مورد نیاز است. این موضوع سنگ بنای مطالعه حاضر و ضرورت انجام آن بوده است.

ارزیابی امنیت غذایی در ایران نشان دهنده آن است که هر چند، کشور ما از نظر شاخص مصرف سرانه انرژی غذایی در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد، اما توزیع نامتناسب درآمد و غذا در استان های محروم دسترسی بسیاری از گروه های فقیر به غذا را دشوار ساخته است (Asgharian Dastnaei et al., 2013). تقریباً سه چهارم مردم فقیر و گرسنه در مناطق روستایی زندگی می کنند، جایی که مواد غذایی در آنجا تولید می شود (Ali-Hosseini, 2006).

بنابراین، ناامنی غذایی نیز در برخی مناطق روستایی کشور که تولیدکننده مواد غذایی هستند، دور از انتظار نیست و از طرفی، با فقر درآمدی گره خورده است. استان گیلان نیز یکی از استان‌های نسبتاً برخوردار از منابع طبیعی است که در تولید مواد غذایی نقش مهمی دارد. اما در مناطق روستایی این استان، برخلاف اکثر استان‌های کشور، فقر غذایی و کلی نسبت به مناطق شهری بیشتر و مشهودتر است (Karam-Soltani et al., 2007). از آنجا که تاکنون چندان پژوهشی در زمینه ابعاد فقر و سطح امنیت غذایی با تمرکز بر مناطق روستایی استان گیلان صورت نگرفته، مطالعه موردی حاضر بر آن است که به صورت پیمایشی، به بررسی در این زمینه بپردازد. با عنایت به مطالب پیش گفته، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه امنیت غذایی و فقر درآمدی در مناطق روستایی شهرستان املش در استان گیلان است.

پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی گوناگون به بررسی وضعیت ناامنی غذایی پرداخته‌اند که در پی، پاره‌ای از آنها یادآوری می‌شوند. فورنس و همکاران (Furness et al., 2004)، با بررسی امنیت غذایی خانوارهای کم‌درآمد لس‌آنجلس، نشان دادند که ۲۴/۴ درصد خانوارهای کم‌درآمد دچار ناامنی غذایی هستند. پیاسو و میشل (Piaseu and Mitchell, 2004)، با بررسی ۱۹۹ خانوار تایلندی، نشان دادند که تنها ۴۴/۲ درصد آنها از امنیت غذایی برخوردار و حدود ۵۶ درصد دارای ناامنی غذایی بودند. از بین خانوارهای دارای ناامنی غذایی، ۳۹/۲ درصد با ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۳/۶ درصد با گرسنگی متوسط و سه درصد با گرسنگی شدید روبه‌رو بودند. مطالعه هادلی و همکاران (Hadley et al., 2007)، در بررسی ۱۰۱ خانوار دارای کودک زیر پنج سال از مهاجران آفریقایی ساکن در شمال شرقی ایالات متحده آمریکا، نشان دادند که شیوع ناامنی غذایی در این خانوارها ۵۳ درصد بوده است. وهابی و همکاران (Vahabi et al., 2011) نیز میزان ناامنی غذایی در میان مهاجران آمریکای لاتین در شهر تورنتو را ۵۶ درصد برآورد کرده‌اند.

در همین زمینه، می توان به برخی از مطالعات انجام شده در ایران نیز اشاره کرد. حکیم و همکاران (Hakim et al., 2010) به بررسی شیوع ناامنی غذایی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان دزفول پرداختند و نتایج نشان داد که شیوع ناامنی غذایی ۳۷/۶ درصد بوده و عواملی مانند سن پدر، سن مادر، تحصیلات والدین، شغل والدین، بعد خانوار و داشتن فرزند زیر هجده سال در خانواده بر وضعیت ناامنی غذایی تأثیر معنی دار داشته است. همچنین، نتایج مطالعات صفرپور و همکاران (Safarpour et al., 2014) نشان دادند که میزان شیوع ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه در بندر انزلی ۵۱ درصد است. در نهایت، نتایج مطالعه تحلیلی چراغی و همکاران (Cheraghi et al., 2016) روی خانوارهای روستایی شهرستان زنجان نشان داد که ۳۱/۷۳ درصد خانوارها امنیت غذایی، ۴۳/۱ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۵/۵۲ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۹/۶۵ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی شدید دارند. همچنین، از پژوهش های پیشین در زمینه فقر می توان به مطالعاتی چند اشاره کرد. اوکورت و همکاران (Okurut et al., 2002)، در زمینه عوامل تعیین کننده فقر منطقه ای در اوگاندا، با استفاده از داده های هزینه-درآمد خانوار سال ۱۹۹۲ و با بهره گیری از شاخص فوستر-گریر-توربک^۱، به مقایسه میزان خط فقر برای مناطق مختلف اوگاندا پرداختند و دریافتند که شمال اوگاندا، با بیشترین عمق فقر، فقیرترین منطقه کشور است؛ همچنین، برای تعیین عوامل مؤثر بر فقر، از مدل لجستیک استفاده کردند و نتایج نشان داد که سطح آموزش، اندازه خانوار و وضعیت مهاجرت از عوامل تعیین کننده فقر خانوار به شمار می روند. گیدا و همکاران (Geda et al., 2005) به شناسایی عوامل تعیین کننده فقر در سطح خانوارهای کنیا پرداختند و بدین منظور، از داده های خانوار در سال ۱۹۹۴ و مدل لاجیت استفاده کردند. این مطالعه نشان داد که در مناطق شهری، وضعیت فقر با سطح آموزش و بعد خانوار در ارتباط است؛ در مناطق روستایی نیز اشتغال در بخش کشاورزی را می توان بدین عوامل افزود. زمان و

آکتیا (Zaman and Aktia, 2012)، با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای بنگلادش در سال ۲۰۰۵ و با بهره‌گیری از شاخص FGT، به بررسی فقر و نابرابری درآمد پرداختند. با توجه به یافته‌های این مطالعه، به‌منظور کاهش نابرابری، باید سطح آموزش و دستمزد در مناطق شهری و همچنین، بهره‌وری بخش کشاورزی در مناطق شهری و روستایی افزایش یابد.

در ایران، بررسی فقر به‌صورت جامع توسط عظیمی در سال ۱۳۵۵ با محاسبه خط فقر آغاز شد (Azimi, 1995). از دیگر مطالعاتی که در همین زمینه، در سال‌های اخیر انجام شده نیز می‌توان مطالعاتی چند را یادآور شد. بنی‌اسدی و مهرجردی (Bani-Asadi and Mehrjardi, 2009) شاخص فقر FGT را برای خانوارهای بخش ارزویه شهرستان بافت محاسبه کردند. نتایج نشان داد که الگوی بهینه کشت بر کاهش فقر مؤثر است، به‌گونه‌ای که ۱۲/۵ درصد از روستاییان با استفاده از الگوی بهینه کشت، بالای خط فقر قرار می‌گیرند. یوسفی و همکاران (Yousefi et al., 2013) به سنجش و مقایسه فقر چندبعدی در ایل‌های عشایر کشور با استفاده از روش الکایر و فوستر پرداختند. نتایج نشان داد که ۴۲ درصد ایل‌ها در دست کم سی درصد از معیارها محروم‌اند و به‌طور میانگین، شدت فقر آنها ۴۶ درصد است؛ همچنین، محرومیت ایل‌ها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده و از سویی، ارتقای وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به‌ویژه دختران و زنان بیشترین تأثیر را در کاهش فقر داشته است. میرزایی و سهرابی (Mirzaei and Sohrabi, 2016) خط فقر مناطق شهری استان آذربایجان شرقی را با بهره‌گیری از روش نظام مخارج خطی پویا با فرض شکل‌گیری عادات و با استفاده از روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب تک‌راری طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ برآورد کردند. نتایج نشان داد که در طول دوره مورد بررسی، فقر در مناطق شهری با نرخ رشد متوسط ۲۳ درصد روندی کاملاً صعودی دارد و درصد خانوارهای شهری زیر خط فقر استان به‌طور متوسط پنجاه درصد بوده و شاخص‌های شکاف فقر و شدت فقر به ترتیب با مقدار متوسط ۴۲ درصد و ۲۳ درصد در انتهای دوره کاهش یافته است؛ بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده برای شاخص‌های فقر، می‌توان گفت که اگرچه سیاست‌های فقرزدایی طی دوره ده‌ساله مورد مطالعه تا حدودی باعث بهبود وضعیت رفاهی در بین افراد

فقیر شده، اما با این حال، طی همین دوره، تعداد افرادی که به زیر خط فقر رفته‌اند، افزایش چشمگیر یافته است. یکی از دلایل عمده این افزایش را می‌توان روند افزایشی حرکت قیمت‌ها دانست، که راه حل مقابله با آن مهار تورم توسط دولت است.

نتایج بررسی جمعیت فعلی در مطالعه رُز (Rose, 1999) نشان داد که ۱۳/۱ درصد از افراد زیر خط فقر دچار ناامنی غذایی و گرسنگی بودند، در حالی که پنجاه درصد از افرادی که دچار ناامنی غذایی بودند، بالای خط فقر قرار داشتند. مطالعات شریف و لین (Shariff and Lin, 2004) روی دویست زن روستایی در مالزی نشان داد که پنجاه درصد از خانوارها دچار ناامنی غذایی بودند. جعفری ثانی و بخشوده (Jafari Sani and Bakhshoodeh, 2008)، در بررسی وضعیت فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان، با محاسبه شاخص FGT، به رتبه‌بندی مناطق مختلف این استان پرداختند و در نهایت، نقشه فقر و ناامنی غذایی استان را تهیه کردند. نتایج نشان داد که در مناطق روستایی، به‌طور متوسط ۲۵/۱۴ درصد فقیرند و همچنین، ۱۳/۳۱ درصد از لحاظ کالری مورد نیاز بدن و ۳۱/۳۹ درصد از لحاظ دسترسی به پروتئین مورد نیاز کمبود دارند؛ این ارقام برای مناطق شهری به ترتیب معادل ۲۹/۹۰، ۱۰/۶۳ و ۱۷/۳۳ درصد به دست آمده است.

بنابراین، بر اساس مطالعات پیش‌گفته در زمینه فقر و امنیت غذایی، می‌توان پی برد که امنیت غذایی مفهومی گسترده و پیچیده دارد و از طریق تعامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و کشاورزی تعیین می‌شود. در این میان، سازه‌هایی مانند فقر و کم‌درآمدی، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، بعد خانوار، سن سرپرست خانوار، وضعیت تأهل و اشتغال سرپرست خانوار از جمله عوامل تعیین‌کننده امنیت غذایی خانوار تلقی می‌شوند.

روش تحقیق

برای بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه و طبقه‌بندی آنها براساس میزان امنیت غذایی، از پرسشنامه مبتنی بر هجده گویه استاندارد امنیت غذایی خانوار

استفاده شد. پرسشنامه وزارت کشاورزی ایالات متحده^۱ که در سال ۱۹۵۵، اعتبارسنجی شده و به عنوان پرسشنامه‌ای معتبر برای مطالعات همه‌گیرشناختی^۲ معرفی شده است. این پرسشنامه وضعیت امنیت غذایی خانوار را در دوازده ماه گذشته بررسی می‌کند. همین پرسشنامه در ایران، از جمله در مطالعات کرم‌سلطانی و همکاران (Karam-Soltani et al., 2007)، محمدزاده و همکاران (Mohammadzadeh et al., 2010) و شرفخانی و همکاران (Sharafkhani et al., 2011) به کار گرفته و اعتبار آن تأیید شده است. این پرسشنامه دارای دو بخش است؛ بخش اول برای همه خانوارها و بخش دوم برای خانوارهای دارای فرزند زیر هجده سال است. امتیازدهی پرسشنامه بدین شرح است که به سه پاسخ «هرگز»، «یک تا دو ماه» و «خیر» نمره صفر و به پاسخ‌های «گاهی اوقات»، «اغلب»، «بعضی ماه‌ها»، «هر ماه» و «بله» نمره یک تعلق می‌گیرد. در ادامه، جمع امتیازهای کل سؤالات برای هر خانوار محاسبه می‌شود. طبقه‌بندی خانوارها بر اساس مجموع امتیازها وضعیت امنیت غذایی خانوارها را در قالب جدول ۱ نشان می‌دهد.

جدول ۱. طبقه‌بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارها بر اساس امتیاز

تعداد پاسخ‌های مثبت		وضعیت امنیت غذایی خانوارها	کد
خانوارهای دارای فرزند ۱۸ سال	خانوارهای فاقد فرزند ۱۸ سال		
۲-۰	۲-۰	امنیت غذایی	۰
۵-۳	۷-۳	ناامنی غذایی بدون گرسنگی	۱
۸-۶	۱۲-۸	ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	۲
۱۰-۹	۱۸-۱۳	ناامنی غذایی با گرسنگی شدید	۳

مأخذ: رامش (Ramesh, 2009).

برای بررسی وضعیت فقر نسبی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از اطلاعات درآمدی خانوارها استفاده شد. بدین منظور، به پیروی از شیروانیان و صوفی (Shirvanian and Soufi, 2015)، دو سوم میانگین درآمد سرانه خانوارها به عنوان خط فقر نسبی اقتصادی در نظر گرفته و در ادامه،

1. United States Department of Agriculture (USAD)

2. Epidemiological studies

درآمد سرانه خانوارها با این خط مقایسه شد. خانوارهایی که میزان درآمد سرانه آنها در یک ماه کمتر از خط فقر نسبی بود، در زمره خانوارهای فقیر و در غیر این صورت، در گروه خانوارهای غیرفقیر قرار گرفتند. برای بررسی وضعیت فقر ذهنی خانوارهای روستایی مورد مطالعه و طبقه‌بندی آنها، از سرپرستان خانوارها خواسته شد که احساس فقر در زندگی خود را در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت شامل سطوح هیچ، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد بیان کنند.

بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی توسط الگوی لاجیت چندگانه

در تحقیق حاضر، متغیر وابسته از نوع کیفی است و طبقات آن سطوح ناامنی غذایی خانوارها را تشکیل می‌دهد. در صورتی که متغیر وابسته (y) مساوی صفر، ۱، ۲ و ۳ باشد، به ترتیب، بیانگر امنیت غذایی، ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ناامنی غذایی با گرسنگی شدید است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، از الگوی لاجیت چندگانه استفاده شد. الگوی لاجیت چندگانه زمانی به کار می‌رود که متغیر وابسته (y) به صورت اسمی بوده و دارای بیش از دو طبقه باشد. شایان یادآوری است که در تخمین نرم‌افزاری مدل لاجیت چندگانه، یک طبقه به عنوان طبقه مبنا در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر، طبقه اول (امنیت غذایی) به عنوان طبقه مبنا یا مرجع در نظر گرفته شده و الگوی لاجیت چندگانه به صورت رابطه (۱) است (Mohammadi, Dogani, and Eidizadeh., 2016):

$$pr(y = m | x) = X' \beta_m \quad (1)$$

$$\beta_m = (\beta_{0m}, \beta_{1m}, \dots, \beta_{km})$$

که نشان‌دهنده اثر روی پیامد m است. به منظور ساختن الگوی احتمال برای لاجیت چندگانه، از رابطه (۲) استفاده می‌شود.

$$pr(Y_i = m | x) = \frac{\exp(X_i \beta_m)}{\sum_{j=1}^J \exp(X_i \beta_j)} \quad (2)$$

رابطه (۲) بیان می‌کند که احتمال آنکه متغیر وابسته y به شرط برداری از متغیرهای مستقل x مقداری مانند m به خود گیرد، برابر است با تابع نمایی متغیرهای مستقل ضرب در پارامترها تقسیم بر مجموع آنها. از آنجا که الگوهای لاجیت از نوع الگوهای گسسته‌اند، در فرآیند برآورد آنها، از لگاریتم تابع درست‌نمایی استفاده می‌شود که در رابطه (۳) نشان داده شده است.

$$\ln L((\beta_2, \dots, \beta_j) y, x) = \sum_{m=1}^j \sum_{y_i=m} \frac{\exp(X_i \beta_m)}{\sum_{j=1}^j \exp(X_i \beta_m)} \quad (3)$$

در صورت حداکثرسازی رابطه (۳)، مقادیر پارامترها برای متغیرهای x به دست خواهد آمد. برای ارزیابی اثرات تغییر در هر کدام از متغیرهای مستقل بر امنیت غذایی خانوار روستایی، از رابطه (۲) نسبت به متغیرهای مورد بررسی مشتق جزئی گرفته می‌شود.

$$\frac{\partial \text{pr}(y=m|x_i)}{\partial x_k} = \text{pr}(y=m|x) \left[\beta_{km} - \sum_{j=1}^j \beta_{kj} \text{pr}(y=j|x) \right] \quad (4)$$

بدین ترتیب، می‌توان مشتقات جزئی را که بیانگر میزان تأثیرگذاری هر کدام از متغیرهاست، محاسبه کرد.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در تابع لاجیت چندگانه، متغیر وابسته Y بیانگر امنیت غذایی و متغیرهای مستقل شامل X_1 فقر ذهنی، X_2 فقر نسبی، X_3 بعد خانوار، X_4 شغل سرپرست خانوار، X_5 وضعیت تأهل سرپرست خانوار، X_6 سن سرپرست خانوار، X_7 سطح سواد سرپرست خانوار، X_8 داشتن فرزندان زیر هجده سال و X_9 سابقه کار سرپرست خانوار است. در پژوهش حاضر، مناطق روستایی شهرستان املش در استان گیلان در سال ۱۳۹۶ به عنوان منطقه مورد مطالعه و خانوارهای روستایی این شهرستان به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای تصادفی انجام شده است. در مرحله اول، ضمن تهیه فهرست کلیه روستاهای شهرستان املش، ده روستا به صورت کاملاً

تصادفی از بین ۱۴۶ روستای این شهرستان انتخاب شدند؛ و در مرحله دوم، از هر روستا بیست خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات، از روش مصاحبه استفاده شده و ابزار اصلی آن پرسشنامه بوده است.

نتایج و بحث

بررسی ویژگی های خانوارهای روستایی

نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی و اقتصادی - اجتماعی خانوارهای نمونه مورد مطالعه در جداول ۲ و ۳ نشان می دهد که ۹۵ درصد سرپرستان خانوارها را مردان و فقط پنج درصد آنها را زنان تشکیل می دهند؛ همچنین، ۸۹/۵۰ درصد سرپرستان خانوارها متأهل و ۷۸ درصد آنها باسواد بودند (جدول ۲). میانگین سنی سرپرستان خانوارها ۴۸/۴۵ با انحراف معیار ۱۱/۵۶ بود که در دامنه سنی ۲۲ تا ۷۶ سال قرار داشتند. میانگین درآمد سرانه ماهانه خانوار ۱۰/۷۴ میلیون ریال با انحراف معیار ۸/۳۶ بین یک تا شصت میلیون ریال و میانگین هزینه سرانه ماهانه خانوار ۹/۹۶ میلیون ریال با انحراف معیار ۶/۶۰ بین دو تا شصت میلیون ریال بود (جدول ۳).

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوارهای روستایی

متغیر	مشاهدات	درصد فراوانی
جنسیت سرپرست خانوار	زن	۵
	مرد	۹۵
جنسیت کل خانوار	زن	۴۷/۳۶
	مرد	۵۲/۶۴
وضعیت تأهل سرپرست خانوار	مجرد	۱۰/۵۰
	متاهل	۸۹/۵۰
وضعیت سواد سرپرست خانوار	بی سواد	۲۲
	سیکل	۳۴
	دیپلم	۲۶/۵۰
	فوق دیپلم	۸
	لیسانس و بالاتر	۹/۵۰
وضعیت سواد کل خانوار	بی سواد	۲۲
	باسواد	۷۸
شغل سرپرست خانوار	بیکار	۷/۵۰
	دولتی و بازنشسته	۲۲
	آزاد	۷۰/۵۰
بعد خانوار	۱-۴	۷۱/۵۰
	۵-۷	۲۶/۵۰
	بیشتر از ۷	۲
داشتن فرزندان زیر هجده سال	دارد	۸۹
	ندارد	۱۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه امنیت غذایی و فقر درآمدی.....

جدول ۳- ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوارهای روستایی

متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
سن سرپرست خانوار (سال)	۴۸/۴۵	۷۶	۲۲	۱۱/۵۶
تعداد اعضای باسواد خانوار	۳/۲۹	۱۱	۰	۱/۳۷
سابقه کار سرپرست خانوار (سال)	۱۶/۴۸	۶۰	۰	۱۲/۸۳
درآمد سرانه خانوار (میلیون ریال)	۱۰/۷۴	۶۰	۱	۸/۳۶
هزینه سرانه خانوار (میلیون ریال)	۹/۹۶	۶۰	۲	۶/۶۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

وضعیت امنیت غذایی در بین خانوارهای روستایی

گروه‌بندی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای مورد مطالعه بر اساس امتیازات به دست آمده از پرسشنامه امنیت غذایی نشان داد که ۴۶/۵ درصد خانوارها در وضعیت امنیت غذایی، ۴۴/۵ درصد در وضعیت ناامنی غذایی بدون گرسنگی و ۹ درصد در وضعیت ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط قرار دارند، و هیچ خانواری در وضعیت ناامن غذایی با گرسنگی شدید در نمونه مورد مطالعه مشاهده نشد (جدول ۴).

جدول ۴- وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای روستایی

درصد	فراوانی	طبقه امنیت غذایی
۴۶/۵	۹۳	امنیت غذایی
۴۴/۵	۸۹	ناامنی غذایی بدون گرسنگی
۹	۱۸	ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط
۰	۰	ناامنی غذایی با گرسنگی شدید
۱۰۰	۲۰۰	جمع کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

وضعیت فقر نسبی در بین خانوارهای روستایی

نتایج نشان داد که ۶۶ درصد خانوارهای روستایی مورد مطالعه از نظر درآمدی دارای فقر نسبی و ۳۴ درصد آنها غیرفقیر به‌شمار می‌روند. ملاحظه می‌شود که تعداد خانوارهای فقیر تقریباً دو برابر خانوارهای غیرفقیر است. بر این اساس، می‌توان گفت که میزان فقر نسبی در میان جامعه مورد بررسی بالاست. همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، بیست درصد از خانوارهای مورد مطالعه، علی‌رغم فقیر بودن، امنیت غذایی دارند، اما ۳۷ درصد آنها ضمن فقیر بودن با ناامنی غذایی و ۹ درصد ضمن فقیر بودن با ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط روبه‌رو هستند.

از سوی دیگر، ۲۶/۵ درصد کل خانوارهای مورد مطالعه علاوه بر غیرفقیر بودن امنیت غذایی دارند. در این میان، تنها ۷/۵ درصد کل خانوارها ضمن غیرفقیر بودن ناامنی غذایی بدون گرسنگی دارند، و هیچ خانوار غیرفقیری ناامنی غذایی با گرسنگی را تجربه نمی‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که اکثر خانوارهای دارای ناامنی غذایی، خانوارهای فقیرند و از این رو، فقر نسبی را می‌توان یکی از دلایل بروز ناامنی غذایی در میان خانوارهای روستایی مورد مطالعه دانست.

جدول ۵- وضعیت فقر نسبی در خانوارهای روستایی

متغیر	فراوانی	درصد	امن غذایی		ناامنی غذایی	
			درصد	با گرسنگی متوسط	درصد	با گرسنگی متوسط
فقیر	۱۳۲	۶۶	۴۰	۲۰	۳۷	۱۸
غیرفقیر	۶۸	۳۴	۵۳	۲۶/۵	۷/۵	۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

وضعیت فقر ذهنی در بین خانوارهای روستایی

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که ۱۶۶ خانوار یا ۸۲/۵ درصد دارای فقر ذهنی بودند و ۳۵ خانوار یا ۱۷/۵ درصد احساس عدم فقر می‌کردند. نتایج نشان‌دهنده آن است که میزان فقر

بررسی رابطه امنیت غذایی و فقر درآمدی.....

ذهنی در خانوارهای مورد مطالعه بسیار بالاست. خانوارهایی که به میزان کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد احساس فقر می کردند، به ترتیب، با ۱۳/۵، ۱۲/۵، چهار و صفر درصد از امنیت غذایی مواجه اند. این نتایج نشان دهنده آن است که با افزایش احساس فقر از کم به خیلی زیاد، امنیت غذایی به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می کند؛ و برعکس، خانوارهایی که به میزان کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد احساس فقر می کردند، به ترتیب، با ۰/۵، دو، سه و ۳/۵ درصد از ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط روبه رو هستند. نتایج نشان می دهد که با افزایش درجه فقر از کم به خیلی زیاد، میزان ناامنی غذایی با گرسنگی برای خانوارهای فقیر افزایش می یابد. بر این اساس، می توان گفت که فقر ذهنی رابطه ای مستقیم با امنیت غذایی خانوار دارد.

از ۱۶۶ خانوار دارای فقر ذهنی، سی درصد امنیت غذایی، ۴۳/۵ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی و نه درصد ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط دارند. این نتایج نشان دهنده آن است که ناامنی غذایی به مراتب بیشتر از امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی دارای فقر ذهنی برقرار است. همچنین، از تعداد ۳۵ خانوار غیر فقیر، ۱۶/۵ درصد امنیت غذایی دارند و تنها یک درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی را تجربه می کنند. علاوه بر آن، ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط در خانوارهایی که عدم فقر ذهنی دارند، اصلاً مشاهده نمی شود.

جدول ۶- وضعیت فقر ذهنی در خانوارهای روستایی بر حسب سطوح امنیت غذایی

متغیر	فراوانی	درصد	امنیت غذایی	درصد	ناامنی غذایی بدون گرسنگی	درصد	ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط	درصد
کم	۳۹	۱۹/۵	۲۷	۱۳/۵	۱۱	۵/۵	۱	۰/۵
متوسط	۶۸	۳۴	۲۵	۱۲/۵	۳۹	۱۹/۵	۴	۲
زیاد	۴۲	۲۱	۸	۴	۲۸	۱۴	۶	۳
خیلی زیاد	۱۶	۸	۰	۰	۹	۴/۵	۷	۳/۵
جمع کل	۱۶۶	۸۲/۵	۶۰	۳۰	۸۷	۴۳/۵	۱۸	۹
غیر فقیر	۳۵	۱۷/۵	۳۳	۱۶/۵	۲	۱	۰	۰

مأخذ: یافته های تحقیق

عوامل موثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی

نتایج برآورد مدل لاجیت چندگانه در جدول ۷ آمده است. شایان یادآوری است که بر اساس اطلاعات جدول ۴، به دلیل عدم وجود سطح چهارم ناامنی غذایی در خانوارهای مورد مطالعه، این سطح از ناامنی غذایی از متغیر وابسته مدل لاجیت از مدل حذف و عملاً این متغیر در سه سطح بیان شده است. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که در مدل لاجیت چندگانه، متغیرهای فقر ذهنی و وضعیت سواد در سطح $y=1$ که مبین ناامنی غذایی بدون گرسنگی است، در سطح اطمینان ۹۹ درصد و متغیر فقر نسبی در سطح اطمینان نود درصد معنی دار شده‌اند. در این مدل، در سطح ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط ($y=2$)، متغیرهای بعد خانوار و شغل سرپرست خانوار در سطح ۹۵ درصد معنی دار شده‌اند. نکته قابل توجه این است که متغیرهای سن سرپرست، تعداد اعضای باسواد خانوار، جنسیت سرپرست، وضعیت تأهل سرپرست خانوار، سابقه کار و داشتن فرزندان زیر هجده سال در هیچ کدام از طبقات امنیت غذایی اثرگذار نبودند. از آنجا که معادلات برآورد شده در الگوی لاجیت چندگانه غیرخطی است، نمی‌توان مقادیر ضرایب را در قالب تأثیرات نهایی متغیر توضیحی بر متغیر وابسته تفسیر کرد. از این رو، اثرات نهایی برای متغیرهای توضیحی در جدول ۸ ارائه شده است. طبق این جدول، در سطح امنیت غذایی ($y=0$)، متغیرهای فقر ذهنی، سطح سواد سرپرست خانوار و وضعیت تأهل معنی دار است. در این رابطه، فقر ذهنی بیشترین مقدار تأثیر و سطح تحصیلات سرپرست خانوار کمترین تأثیر را بر سطح امنیت غذایی دارند. شایان یادآوری است که تأثیر فقر ذهنی و تأهل بر سطح امنیت غذایی منفی بوده، اما تأثیر سطح تحصیلات مثبت است. بر این اساس، فقر ذهنی و متأهل بودن سرپرست خانوار به عنوان دو عامل بازدارنده در مسیر دستیابی به سطح امنیت غذایی خانوارهای روستایی عمل می‌کنند. اما سطح سواد عاملی است که دستیابی به سطح امنیت غذایی را تسهیل می‌کند، بدین ترتیب که با ارتقای یک سطح تحصیلی به سطح تحصیلات فعلی سرپرستان خانوارهای روستایی، امنیت غذایی خانوارها به طور متوسط هفده درصد افزایش خواهد یافت. با افزایش سطح فقر ذهنی سرپرستان خانوارها، سطح امنیت غذایی خانوارها

حدود ۴۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین، با متأهل شدن سرپرست خانوار، سطح امنیت غذایی خانوارها حدود ۲۹ درصد تنزل می‌یابد. در سطح ناامنی غذایی بدون گرسنگی ($y=1$)، تنها متغیر سطح سواد معنی‌دار است. با عنایت به مقدار و علامت اثر نهایی این متغیر، این نکته قابل استنباط است که ارتقای سطح سواد سرپرستان خانوارها عامل بازدارنده در مسیر بروز ناامنی غذایی بدون گرسنگی است؛ در این راستا، با ارتقای یک سطح تحصیلی به سطح تحصیلات فعلی سرپرستان خانوارهای روستایی، ناامنی غذایی بدون گرسنگی در این خانوارها حدود هفده درصد کاهش نشان می‌دهد. در سطح ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط ($y=2$)، اثر نهایی هیچ کدام از متغیرها معنی‌دار نشده‌اند. این موضوع بیانگر همگنی بین خانوارهای روستایی دچار ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط است؛ به دیگر سخن، این گروه از خانوارهای روستایی از یک ویژگی مشترک برخوردارند که با تمرکز بر آن، می‌توان به مدیریت سطح ناامنی غذایی آنها پرداخت. این موضوع در جداول ۵ و ۶ به خوبی تبیین شده است. بر اساس اطلاعات این دو جدول، این گروه از خانوارهای روستایی، همگی دچار فقر بوده و در بین آنها، خانوارهای غیرفقیر وجود ندارد؛ و از دیدگاه اقتصادسنجی، دلیل معنی‌دار نشدن متغیرهای بیانگر وضعیت فقر در شناسایی عوامل مؤثر بر سطح ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط در این دسته از خانوارها همگن بودن این خانوارها در این دو متغیر است (همگی دچار فقرند).

جدول ۷- نتایج برآورد الگوی لاجیت چندگانه

P	آماره z	خطای استاندارد	ضریب	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
۰/۱۱۵	۱/۵۸	۱/۰۸	۱/۷۱	y=۱	جنسیت تأثیر
۰/۱۸۹	۱/۳۱	۱/۷۱	۲/۲۶	y=۲	
۰/۷۶۴	-۰/۳۰	۰/۰۲۰	-۰/۰۰۶	y=۱	سن تأثیر
۰/۴۹۵	۰/۶۷	۰/۰۴۷	۰/۰۳۲	y=۲	
۰/۰۰۳	-۲/۹۷	۰/۲۲۹	-۰/۶۸۰	y=۱	وضعیت سواد تأثیر
۰/۲۹۶	۱/۰۴	۰/۸۲۹	-۰/۸۶۶	y=۲	
۰/۰۵۲	۱/۹۴	۰/۶۰۳	۱/۱۷	y=۱	وضعیت تأهل سرپرست
۰/۱۰۴	۱/۶۳	۱/۲۳	۲/۰۰	y=۲	
۰/۱۶۰	-۱/۴۱	۰/۴۰۷	-۰/۵۷۳	y=۱	شغل سرپرست
۰/۰۱۶	-۲/۴۲	۰/۵۹۱	-۱/۴۳	y=۲	
۰/۳۸۴	۰/۸۷	۰/۳۶۶	۰/۳۱۹	y=۱	بعد خانوار
۰/۰۳۸	۲/۰۸	۰/۷۸۸	۱/۶۳	y=۲	
۰/۲۷۴	-۱/۱۰	۰/۰۱۴	-۰/۰۱۶	y=۱	سابقه کار سرپرست
۰/۹۹۳	-۰/۷۸	۰/۰۳۸	-۰/۰۲۹	y=۲	
۰/۵۰۶	-۰/۶۷	۰/۳۲۹	-۰/۲۱۹	y=۱	تعداد اعضای باسواد خانوار
۰/۳۹۰	-۰/۸۶	۰/۷۰۸	-۰/۶۰۹	y=۲	
۰/۳۴۰	۰/۹۵	۰/۵۵۷	۰/۵۳۱	y=۱	داشتن فرزندان زیر هجده سال
۰/۹۹۳	۰/۰۱	۱۹۳۷/۵۷	۱۷/۷۰	y=۲	
۰/۰۰۲	۳/۱۱	۰/۷۹۷	۲/۴۸	y=۱	فقر ذهنی
۰/۹۹۴	۰/۰۱	۱۸۵۴/۸۱	۱۵/۱۰	y=۲	
۰/۰۸۳	۱/۷۳	۰/۴۷۷	۰/۸۲۸	y=۱	فقر نسبی
۰/۱۶۰	۱/۴۱	۱/۹۰	۲/۶۸	y=۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه امنیت غذایی و فقر درآمدی....

جدول ۸- نتایج محاسبه اثر نهایی

P	آماره z	dy/dx	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
۰/۱۱۶	-۱/۵۷	-۰/۴۲۷	y=۰	جنسیت تأثیر
۰/۱۴۴	۱/۴۶	۰/۴۲۷	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰۰۳	y=۲	
۰/۷۷۹	۰/۲۸	۰/۰۰۱	y=۰	سن تأثیر
۰/۷۷۳	۰/۲۹	-۰/۰۰۱	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۸/۸۱	y=۲	
۰/۰۰۳	۲/۲۹	۰/۱۷۰	y=۰	سطح سواد تأثیر
۰/۰۱۷	-۲/۳۹	-۰/۱۶۹	y=۱	
۰/۹۹۸	-۰/۰۰	-۰/۰۰۰۱	y=۲	
۰/۰۶۱	-۱/۸۷	-۰/۲۹۳	y=۰	وضعیت تأهل سرپرست
۰/۱۰۲	۱/۶۴	۰/۲۹۲	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰۰۳	y=۲	
۰/۱۹۵	۱/۳۰	۰/۱۴۳	y=۰	شغل سرپرست
۰/۲۴۵	-۱/۱۶	-۰/۱۴۳	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	-۰/۰۰۰۲	y=۲	
۰/۴۷۹	-۰/۷۱	۰/۰۷۹	y=۰	بعد خانوار
۰/۵۱۰	۰/۶۶	۰/۰۷۹	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰۰۳	y=۲	
۰/۲۷۸	۱/۰۸	۰/۰۰۴	y=۰	سابقه کار سرپرست
۰/۳۰۵	-۱/۰۳	۰/۰۰۴	y=۱	
۰/۹۹۸	-۰/۰۰	-۵/۴۴	y=۲	
۰/۵۱۷	۰/۶۵	۰/۰۵۴	y=۰	تعداد اعضای باسواد خانوار
۰/۵۳۱	-۰/۶۳	-۰/۰۵۴	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰۰۳	y=۲	
۰/۷۰	-۰/۳۹	-۰/۱۳۱	y=۰	داشتن فرزندان زیر هجده سال
۰/۷۱۰	۰/۳۷	۰/۱۲۹	y=۱	
۰/۹۹۷	۰/۰۰	۰/۰۰۲	y=۲	
۰/۰۶۰	-۱/۸۸	-۰/۴۸۶	y=۰	فقر ذهنی
۰/۱۸۶	۱/۳۲	۰/۴۸۳	y=۱	
۰/۹۹۷	۰/۰۰	۰/۰۰۲	y=۲	
۰/۱۴۰	۰/۱۴۰	-۰/۲۰۲	y=۰	فقر نسبی
۰/۱۹۸	۰/۱۹۸	۰/۲۰۲	y=۱	
۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۰۰۰۴	y=۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در گروه‌بندی خانوارهای مورد مطالعه بر اساس وضعیت امنیت غذایی، نتایج پژوهش نشان داد که ۵۳/۵ درصد خانوارهای روستایی امنیت غذایی لازم را ندارند. این نتیجه بیانگر پایین بودن نرخ امنیت غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان املش است، که با نتیجه مطالعه صفرپور و همکاران (Safarpour et al., 2014) در بندر انزلی همخوانی دارد؛ بر پایه نتایج مطالعه آنها، میزان شیوع ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه ۵۱ درصد است. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که ۴۴/۵ درصد خانوارهای روستایی دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی و نه درصد نیز دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط هستند. این یافته حکایت از شیوع ناامنی غذایی در درجات مختلف در بین خانوارهای روستایی است. در این راستا، نتایج مطالعه تحلیلی چراغی و همکاران (Cheraghi et al., 2016) روی خانوارهای روستایی شهرستان زنجان نشان داد که ۴۳/۱ درصد دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۵/۵۲ درصد دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۹/۶۵ درصد خانوارها دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید می‌باشند. در بررسی فقر نسبی، مشاهده شد که نرخ فقر نسبی در نمونه مورد مطالعه بالا بوده و ۶۶ درصد خانوارها از نظر درآمدی فقر نسبی دارند. همچنین، در نمونه مورد مطالعه، اکثر خانوارهای دارای ناامنی غذایی خانوارهای فقیرند، از این‌رو، فقر نسبی را می‌توان یکی از دلایل بروز ناامنی غذایی در میان خانوارهای روستایی مورد مطالعه قلمداد کرد. از آنجا که شاخص فقر نسبی بازتابی از نابرابری توزیع درآمد در جامعه است، به نظر می‌رسد که دولت باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب در حوزه توزیع عادلانه درآمد، بستر مناسب برای کاهش ناامنی غذایی را فراهم کند.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که فقر ذهنی در نمونه مورد مطالعه بالاتر از فقر نسبی است و ۸۲/۵ درصد خانوارهای روستایی فقر ذهنی دارند. علاوه بر آن، بر اساس نتایج، فقر ذهنی بیشترین تأثیر را در امنیت غذایی دارد و با افزایش فقر ذهنی، ناامنی غذایی نیز به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. از آنجا که فقر ذهنی ناشی از محرومیت در ابعاد مختلف

زندگی بوده و نقش محیط در بروز آن انکارناپذیر است، در راستای کاهش فقر ذهنی روستاییان، ارتقای سطح تسهیلات و امکانات اجتماعی در مناطق روستایی به منظور افزایش بهره‌وری خانوارهای روستایی در استفاده از امکانات تحت تملک هر خانوار از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در همین راستا، تقویت زیرساخت‌ها و امکانات عمومی روستایی از قبیل ایجاد یا ارتقای سطح مراکز بهداشتی و خدمات درمانی عمومی، افزایش مراکز آموزشی در سطح روستاها و ارتقای سطح دسترسی به خدمات ارتباطی و اینترنت از جمله اقدامات ضروری است که می‌تواند به کاهش سطح فقر ذهنی روستاییان کمک کند.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که فقر ذهنی مهم‌ترین عامل بازدارنده در مسیر دستیابی به سطح امنیت غذایی خانوارهای روستایی است، به گونه‌ای که با افزایش سطح فقر ذهنی سرپرستان خانوارها، سطح امنیت غذایی خانوارها حدود ۴۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین، نتایج بیانگر آن است که خانوارهای روستایی دچار ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط همگی دچار فقر بوده و در بین آنها، خانوارهای غیرفقیر وجود ندارد. در این راستا، ادبیات موضوع بر این مسئله تأکید دارد که مبتلایان به فقر غذایی از فقیرترین اقشار جامعه به‌شمار می‌روند (Ebadi, 2009; Salehi, 2007) و ناامنی غذایی را تجربه می‌کنند (Araei, 2006). از این رو، به نظر می‌رسد که در صورت رفع فقر این دسته از خانوارها، می‌توان انتظار داشت که سطح ناامنی غذایی آنها تعدیل شود.

همچنین، نتایج بیانگر آن است که سطح تحصیلات سرپرست خانوار از یک سو عاملی است که دستیابی به سطح امنیت غذایی را تسهیل می‌کند و از سوی دیگر، عامل بازدارنده در مسیر بروز ناامنی غذایی بدون گرسنگی است. بر این اساس، در راستای ارتقای سطح امنیت غذایی و کاهش ناامنی غذایی در خانوارهای روستایی، تمرکز بر افزایش سطح سواد سرپرستان این خانوارها توصیه می‌شود.

در یک جمع‌بندی بر اساس نتایج مطالعه، به نظر می‌رسد که برای مقابله با ناامنی غذایی در سطوح مختلف آن در جامعه روستایی، تمرکز بر کاهش فقر در این جامعه در اولویت قرار

داشته و دارای بالاترین سطح اثربخشی باشد. همچنین، افزایش سطح سواد در قالب رویکرد تکمیلی در ارتقای سطح امنیت غذایی و کاهش ناامنی غذایی مورد تأکید است.

منابع

1. Ali-Hosseini, J. (2006). Related demographic and social factors affecting the food insecurity: supported household of Emam Khomeini Emdad Committee in Tehran's district 20. Master's Theses, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran. (Persian)
2. Araei, M.M. (2006). Pathology of poverty reduction programs in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 18: 1-23. (Persian)
3. Asgharian Dastnaei, A., Karami, E. and Keshavarz, M. (2013). Determinants of rural households' food security. *Agricultural Economics*, 7(1): 95-107. (Persian)
4. Azimi, H. (1995). Undeveloped circuits in Iranian economy. Tehran, Iran: Nay. (Persian)
5. Bani Asadi, M. and Mehrjardi, M. (2009). Investigating the effect of optimal cropping pattern on rural poverty: case study of Baft County. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 4(2), 183-209. (persian)
6. Cheraghi, M., Ghadiri-Masoum, M. and Rezvani, M.R. (2016). The role of non-agricultural incomes in rural food security. *Journal of Food Science and Nutrition*, 4: 73-78. (Persian)
7. Ebadi, F. (2009). *Food security and distribution of income*. Institute for Planning Research, Agricultural Economics and Rural Development, Tehran, Iran. (persian)
8. Furness, B.W., Simon, P.A., Wold, C.M. and Asarian-Anderson, J. (2004). Prevalence and predictors of food insecurity among low-income households in Los Angeles County. *Public Health Nutrition*, 7(6): 791-796.
9. Geda, A., de Jong, N., Kimenyi, M.S. and Mwabu, G. (2005). Determinants of poverty in Kenya: a household level analysis. Working Paper Series. Department of Economics. University of Connecticut.
10. Ghasemi, H. (1994). Definitions and theoretical foundations of food security. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 2(3). (persian)
11. Hadley, C., Zodhiates, A. and Sellen, D.W. (2007). Acculturation, economics and food insecurity among refugees resettled in the USA: a

- case study of West African refugees. *Public Health Nutr.*, 10(4): 405-412.
12. Hakim, S., Dorosti-Motlagh, A.R. and Eshraghian, M.R. (2010). Association of food insecurity and household socio-economic status with the body mass index among urban women in Dezfoul. *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 8(2): 55-66. (Persian)
 13. Jafari Sani, M. and Bakhshoodeh, M. (2008). Study of spatial distribution of poverty and food insecurity of urban and rural households in provinces of Iran. *Agricultural Economics and Development*, 61: 103-123. (Persian)
 14. Karam-Soltani, Z., Dorosti-Motlagh, A.R., Eshraghian, M.R. Siassi, and Jazayeri (2007). Obesity and food security in Yazd primary school students. *Tehran University Medical Journal*, 55(7): 68-76. (Persian)
 15. Mirzaei, H. and Sohrabi, R. (2016). Determining the poverty line of urban households in East Azerbaijan province by using linear expenditure system. *Journal of Urban Economics and Management*, 4(13): 65-82. (Persian)
 16. Mohammadi, H., Dogani, and Eidizadeh, (2016). Application of logit model in investigating effective factors on knowledge and consumption of organic food products. *Quarterly Journal of New Food Technology*, 3(10): 89-99. (Persian)
 17. Mohammadzadeh, A., Dorosti-Motlagh, A.R. and Eshraghian, M.R. (2010). The association of food security with socio-economic factors and weight status among adolescents. *Iranian J. Nutr. Sci. Food Tech.*, 5(1). (Persian)
 18. Najafi, G. (1996). Poverty, food security and rural communities. *Journal of Agricultural Economics and Development (Special Letter)*: 187-214. (persian)
 19. Okurut, F.N., Odwee, J.A.O. and Adebua, A. (2002). *Determinants of regional poverty in Uganda*. African Economic Research Consortium, Nairobi, Kenya.
 20. Piaseu, N. and Mitchell, P. (2004). Household food insecurity among urban poor in Thailand. *J. Nurs. Scholarsh*, 36(2): 115-121.
 21. Ramesh, T. (2009). *The prevalence of food insecurity and some associated factors among households of Shiraz County in 2009*. Shahid Beheshti University, M.C., Tehran, Iran. (Persian)
 22. Rose, D. (1999). Economic determinants and dietary consequences of food insecurity in the United States. *J. Nutr.*, 129: 517S-520S. .

23. Safarpour, M., Dorosti-Motlagh, A.R., Hosseini, S.M. and Ranjbar Noshari, F. (2014). Prevalence and consequences of food insecurity and its relation with some socio-economic factors. *Journal of Knowledge and Health*, 8(4): 193-198. (Persian)
24. Salehi, M. (2007). A new look at food and nutrition. Shiraz University of Medical Sciences and Health Services, Shiraz, Iran. (Persian)
25. Sharafkhani, R., Dastgiri, S., Gharaaghaji Asl, R. and Ghavamzadeh, S. (2011). Prevalence of the household food insecurity and its influencing factors: a cross-sectional study (Khoy County-Qaresoo, 2009). *The Journal of Urmia University Medical Sciences*, 22(2): 119-122. (Persian)
26. Shariff, Z.M. and Lin, K.G. (2004). Indicators and nutritional outcomes of household food insecurity among a sample of rural Malaysian women. *Pakistan Journal of Nutrition*, 3(1): 50-55.
27. Shirvanian, A.B. and Soufi, M. (2015). A review on poverty of nomad households in drought period and identification of its determinants in Fars province of Iran. *Journal of Village and Development*, 17(4): 93-110. (Persian)
28. Smith, L.C., Amani, E.E. and Helen, H.J. (1999). The geography and causes of food insecurity in developing countries. *Agricultural Economics*, 22(2): 199-215.
29. Vahabi, M., Damba, C., Rocha, C. and Montoya, E.C. (2011). Food insecurity among Latin American recent immigrants in Toronto. *Journal of Immigrant and Minority Health*, 13(5): 10. DOI: 10.1007/s10903-010-9384-y.
30. World Bank (1986). Poverty and hunger: issues and options for food security in developing countries. Washington DC; World Bank.
31. Yousefi, A., Asadi-Khoob, H. and Afshari, M. (2013). The measurement of multidimensional poverty in Iran nomads. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 7(2): 47-67. (Persian)
32. Zaman, K. and Aktia, T. (2012). Spatial dimensions of income inequality and poverty in Bangladesh: an analysis of the 2005 and 2010 household income and expenditure survey data. *Bangladesh Development Studies*, 3(32): 19-51.